

سیره حضرت زینب (س) و الگوی کنشگری اجتماعی زن در نهضت عاشورا

محمد صالح مرادی کوچی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸)

چکیده

نهضت عاشورا یکی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ اسلام، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. با وجود این، نقش زنان در این نهضت، به‌ویژه حضرت زینب (س) بیشتر در قالب روایت‌های عاطفی و توصیفی قرار گرفته است. این پژوهش، به بررسی سیره حضرت زینب (س) به‌عنوان الگویی برای کنشگری اجتماعی زن مسلمان پرداخته است و ارتباط آن با نهضت عاشورا و مسئله امامت را تحلیل می‌کند. هدف اصلی پژوهش، استخراج مؤلفه‌های کنشگری حضرت زینب (س) و بررسی رابطه آن با راهبردهای نهضت عاشورا و گفتمان ولایت است. این تحقیق، با رویکرد تحلیلی - توصیفی و روش تاریخی - انتقادی انجام شده است. یافته‌ها نشان دادند که کنش‌های حضرت زینب (س) نه تنها واکنشی و عاطفی، بلکه هدفمند، آگاهانه و راهبردی بوده است. نتایج نشان دادند که سیره حضرت زینب (س)، الگوی جامع و قابل تعمیمی از کنشگری اجتماعی زن مسلمان در چارچوب الهیات مقاومت است.

کلید واژه‌ها: حضرت زینب (س)، کنشگری اجتماعی، زن مسلمان، نهضت عاشورا، سیره معصومان.

۱. پژوهشگر فقه و حقوق اسلامی، دانشجو کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، مرکز تهران، ایران؛ Mohammadsalehmoradi111@gmail.com

مقدمه

نهضت عاشورا، رخدادی سرنوشت‌ساز در تاریخ امت اسلامی است که با محوریت امامت و پابندی به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، چارچوب‌های معرفتی و رفتاری جامعه مسلمانان را شکل داده است. در این مسیر نقش زنان، به‌ویژه حضرت زینب(س) به‌عنوان بازوی اجتماعی و گفتمانی امام حسین علیه السلام، کمتر مورد واکاوی تحلیلی و علمی قرار گرفته و اغلب به‌زبانی احساسی و صرفاً روایی معرفی شده‌اند. چنین غفلتی، موجب شده است که بُعد اجتماعی و کنشگری فعال ایشان در تداوم نهضت عاشورا و تولید قدرت نرم دینی مورد توجه کافی پژوهشگران قرار نگیرد. از این‌رو، زمینه‌سازی پژوهش حاضر بر مبنای ضرورت بازشناسی جایگاه زن مسلمان در نهضت عاشورا و تحلیل سیره حضرت زینب(س) به‌مثابه الگوی کنشگری اجتماعی صورت گرفته است. بیان مسئله این پژوهش بر این اصل مبتنی است که تحلیل‌های موجود، بیشتر به‌توصیف حوادث و روایتگری محدود است و به‌کنشگری آگاهانه، راهبردی و اجتماعی حضرت زینب(س) پرداخته نشده است. در بسیاری از منابع کلاسیک، نقش ایشان تقلیل‌یافته و اغلب در چارچوب صبر و ثبات شخصی بررسی شده است، حال آنکه خطبه‌ها، تصمیمات و اقدامات اجتماعی و سیاسی ایشان، مؤید سطح بالایی از بصیرت، مدیریت بحران و قدرت نرم است که توانایی الگوسازی برای زن مسلمان معاصر را دارد. صورت‌بندی دقیق مسئله پژوهش، از این قرار است که آیا کنش‌های حضرت زینب(س) صرفاً واکنشی به‌رخداد‌های عاشورا بوده است یا ماهیتی آگاهانه، هدفمند و هماهنگ با راهبرد کلان نهضت دارد؟ همچنین، این پژوهش می‌کوشد نسبت میان کنشگری زینبی و امامت را در قالب تحلیل تاریخی و گفتمانی روشن سازد و ظرفیت‌های الگوسازی آن برای حوزه‌های اجتماعی و دینی معاصر را ارزیابی کند. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه سیره حضرت زینب(س) می‌تواند به‌عنوان الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان در نهضت عاشورا تبیین شود؟ پرسش‌های فرعی نیز به‌تحلیل کنش‌های ایشان در سه‌مقطع زمانی پیش از عاشورا، روز عاشورا و پس از عاشورا، بررسی نقش گفتمان‌سازی و قدرت نرم و شناسایی مؤلفه‌های فردی و



اجتماعی الگوی کنشگری اختصاص دارد. فرضیه پژوهش بر این اساس است که کنش‌های حضرت زینب (س) آگاهانه، هدفمند و راهبردی بوده و می‌تواند به‌عنوان الگوی نظری و عملی برای کنشگری اجتماعی زن مسلمان در شرایط بحران‌های فردی و جمعی مورد استفاده قرار گیرد. اهداف پژوهش مشتمل بر هدف اصلی، یعنی استخراج الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان از سیره حضرت زینب (س) و اهداف فرعی، شامل تحلیل سه‌بعدی کنش‌ها، بررسی نقش ایشان در مدیریت بحران اسارت، تحلیل گفتمان خطبه‌ها و سنجش قابلیت الگوبرداری اجتماعی و دینی از این سیره است. اهمیت و ضرورت پژوهش را می‌توان در سه‌سطح تبیین کرد؛ سطح علمی، با پرکردن خلأ نظری و ارائه تحلیلی ساختاری از کنشگری زن در عاشورا؛ سطح اجتماعی، با ارائه الگویی عملی برای زن مسلمان معاصر؛ و سطح دینی، با بازشناسی جایگاه حضرت زینب (س) در تداوم مسیر امامت و تولید قدرت نرم دینی. ساختار مقاله به‌گونه‌ای طراحی شده است که پس از ارائه مقدمه و روش‌شناسی، پیشینه پژوهش و چارچوب نظری، جایگاه زن در عاشورا، شخصیت‌شناسی حضرت زینب (س) و تحلیل کنشگری ایشان در سه‌مقطع زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، تحلیل گفتمان، الهیات مقاومت زنانه و استخراج الگوی کنشگری ارائه و با نقد قرائت‌های متفاوت و جمع‌بندی نهایی، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود.

کلیات و چارچوب نظری پژوهش

در مطالعات دینی و تاریخی، سیره معصومان به‌عنوان یکی از منابع بنیادین شناخت شخصیتی، رفتاری و اجتماعی آنان مطرح است. سیره، فراتر از مجموعه‌ای از رفتارهای فردی، دربردارنده الگوهای عملی، اجتماعی و اخلاقی است که قابلیت تعمیم در جامعه مسلمانان را دارد. از منظر فقهی و کلامی، سیره به‌سه‌گونه تقسیم می‌شود: سیره قولی، شامل گفتار و خطابه‌های نقل‌شده؛ سیره فعلی که بیانگر رفتار و اقدام عملی است؛ و سیره تقریری که شامل پذیرش و تایید رفتارهای دیگران توسط معصوم می‌شود (شیخ مفید، ج: ۱، ۵۲). مطالعه سیره، به‌ویژه سیره حضرت زینب (س) زمانی حائز اهمیت می‌شود

که این سیره را نه صرفاً به عنوان میراث تاریخی، بلکه به عنوان مبنای تحلیل کنشگری اجتماعی زن مسلمان در شرایط بحرانی به کارگیریم. کنشگری اجتماعی، مفهومی میان‌رشته‌ای است که در علوم انسانی و مطالعات دینی به معنای واکنش‌های هدفمند، آگاهانه و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی افراد در تعامل با محیط و جامعه تعریف می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی دینی، کنش اجتماعی تنها به فعالیت‌های ملموس محدود نمی‌شود، بلکه شامل کنش‌های معنایی، گفتمانی و اثرگذار در تولید و تداوم ارزش‌ها نیز است (ماکس وبر، ج ۱: ۱۱۴). این تعریف در اندیشه اسلامی، با تأکید بر تکلیف‌مداری، تقوا و هماهنگی با مصالح عمومی تقویت شده است؛ چنانکه امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه تصریح می‌کند: «هرکنش که با مرجعیت الهی و رعایت عدالت اجتماعی همراه باشد، آثار اجتماعی و تربیتی گسترده دارد» (امام خمینی: ۱۲۳). در اندیشه اسلامی، کنشگری اجتماعی زن ابعاد چندگانه دارد؛ نخست، کنش فردی که شامل فضایل اخلاقی، صبر، شجاعت و بصیرت می‌شود؛ دوم، کنش جمعی که زنان در آن به عنوان عضوی از جامعه مؤثر، نقش‌آفرینی می‌کنند؛ سوم، کنش در شرایط بحران که موقعیت‌هایی مانند اسارت، ظلم یا مواجهه با حاکمیت‌های ظالم را شامل می‌شود (مجمع‌الفقهاء، فقه المرأة: ۱۱۲). حضرت زینب (س)، نمونه‌ای برجسته از چنین کنشگری است؛ زیرا اقدامات ایشان در جریان نهضت عاشورا، اعم از مدیریت کاروان، حمایت از امام سجاد (ع) و بیان خطبه‌های کوفه و شام، هم‌زمان با تکلیف‌مداری و بصیرت دینی صورت گرفت. جایگاه زن در گفتمان اسلامی نیز، بر اساس کرامت ذاتی، مسئولیت اجتماعی و نقش تربیتی استوار است. قرآن کریم، زنان را دارای حق مشارکت فعال در جامعه می‌شناسد (نساء: ۳۲) و روایات فاطمی و علوی تأکید دارند که زنان می‌توانند در شرایط بحرانی، همچون میدان‌های اجتماعی و سیاسی، نقش‌آفرینی کنند (علامه مجلسی، ج ۴۳: ۸۷). این دیدگاه، محور تحلیل کنشگری حضرت زینب (س) را تشکیل می‌دهد؛ زیرا حضور ایشان در عاشورا و پس از آن، نه تنها جنبه فردی، بلکه کنشی جمعی و گفتمانی برای هدایت امت و مقابله با جریان‌های نادرست اموی بوده است. نهضت عاشورا، به مثابه کنش اجتماعی گسترده و ساختاریافته، امکان

تحلیل کنشگری اجتماعی زن را فراهم می‌سازد. عاشورا نه تنها رخدادی نظامی یا سیاسی، بلکه جنبشی اصلاحی، معرفتی و تربیتی است که بازیگران مختلف آن، به‌ویژه زنان بنی‌هاشم، نقش‌آفرینی متنوع و حیاتی داشته‌اند. در این میان، حضرت زینب (س) با بهره‌گیری از شجاعت، بصیرت و توانمندی‌های گفتمانی توانست نقش محوری خود را در تداوم نهضت عاشورا ایفا کند و الگویی منحصر به فرد از کنشگری اجتماعی زن مسلمان ارائه دهد. چارچوب نظری پژوهش، بر این اساس طراحی شده است که تحلیل کنشگری اجتماعی حضرت زینب (س) در سه محور صورت گیرد:

۱. کنش فردی و ویژگی‌های شخصیتی (علم، بصیرت، شجاعت، صبر فعال)؛
 ۲. کنش اجتماعی و جمعی (مدیریت بحران، انسجام کاروان، حمایت از امام و مردم)؛
 ۳. کنش گفتمانی و سیاسی (خطبه‌ها، افشای گفتمان قدرت اموی، تولید قدرت نرم دینی).
- این چارچوب نظری، به پژوهش امکان می‌دهد تا سیره حضرت زینب (س) را نه تنها یک روایت تاریخی، بلکه به‌عنوان یک الگوی نظام‌مند کنشگری اجتماعی تحلیل کند و مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و گفتمانی آن را استخراج نماید.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر در چارچوب مطالعات میان‌رشته‌ای تاریخ، کلام و علوم اجتماعی دینی سامان‌یافته و با هدف تحلیل کنشگری اجتماعی حضرت زینب (س) در نهضت عاشورا طراحی شده است. این پژوهش، در زمره تحقیقات بنیادی - کاربردی و میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد. از یک‌سو، با مطالعه تاریخ و سیره معصومان به‌شناخت عمیق و نظری می‌پردازد و از سوی دیگر، به‌منظور ارائه الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان در عصر معاصر، کارکرد کاربردی نیز دارد. چنین رویکردی، امکان استخراج مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و گفتمانی سیره حضرت زینب (س) را فراهم می‌سازد. رویکرد پژوهش، توصیفی - تحلیلی و تاریخی - انتقادی است؛ در این رویکرد، نه تنها رخدادهای کنش‌ها توصیف نمی‌شوند، بلکه با تحلیل علل، زمینه‌ها و پیامدهای آن‌ها، تبیین علمی و نظری ارائه می‌شود. این رویکرد از منظر حوزوی نیز، مورد تأکید است؛ زیرا

علمای بزرگ، همچون شیخ مفید و علامه مجلسی، سیره را نه تنها گزارش تاریخی، بلکه محور استخراج آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی دانسته‌اند (شیخ مفید، ج ۱: ۶۵؛ علامه مجلسی، ج ۴۳: ۸۷). روش اصلی تحقیق، تحلیل تاریخی - انتقادی و توصیفی - تحلیلی متون است؛ در این روش، ابتدا منابع تاریخی و روایی مرتبط با حضرت زینب(س) گردآوری و با نقد سند و تطبیق متن با منابع موازی اعتبارسنجی می‌شوند، سپس با استفاده از تحلیل مفهومی و گفتمانی، کنش‌ها و اقدامات اجتماعی ایشان در سه مقطع زمانی، پیش از عاشورا، روز عاشورا و پس از عاشورا مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه پژوهش، شامل کلیه گزارش‌های تاریخی و روایی مرتبط با نهضت عاشورا و سیره حضرت زینب(س) است و قلمرو زمانی پژوهش، از دوران کودکی و تربیت حضرت زینب(س) در خانه وحی و در کنار اهل بیت علیهم‌السلام تا دوران اسارت پس از عاشورا و خطبه‌های کوفه و شام را در بر می‌گیرد. قلمرو مکانی نیز، شامل مدینه، کربلا، کوفه و شام است؛ زیرا تمام این مناطق، نقش کلیدی در کنشگری اجتماعی و سیاسی حضرت زینب(س) داشته‌اند. منابع پژوهش در سه دسته سامان‌یافته‌اند؛ منابع تاریخی کهن و مقاتل معتبر، مانند مقتل ابن شهر آشوب و مقتل مرقم؛ منابع حدیثی و کلامی، شامل بحارالانوار و ارشاد؛ و پژوهش‌های معاصر فارسی و عربی که به تحلیل تاریخی، سیره‌شناسی و مطالعات زنان در نهضت عاشورا پرداخته‌اند. تمام منابع با رعایت سند و اعتبار علمی انتخاب شده‌اند و هرگونه ارجاع درون‌متنی با ذکر دقیق جلد، صفحه و ناشر ارائه گردیده است. گردآوری داده‌ها با مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد تاریخی و روایی انجام شده است؛ منابع اولیه، شامل مقاتل و متون حدیثی به‌طور مستقیم مطالعه و نکات کلیدی استخراج شده‌اند و منابع ثانویه برای تأیید و تحلیل تطبیقی استفاده شده‌اند. تمام داده‌ها با روش استخراج مفهومی و طبقه‌بندی محورهای کنشگری سازمان‌دهی شده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل گفتمان و تحلیل مفهومی صورت گرفته و در این فرآیند، خطبه‌ها، اقدامات اجتماعی و سیاسی حضرت زینب(س) از نظر محتوایی و ساختاری واکاوی و روابط بین کنش فردی، اجتماعی و گفتمانی استخراج شده است. مؤلفه‌های کلیدی الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان با استناد به منابع معتبر تاریخی شناسایی گردیده‌اند.

اعتبار پژوهش براساس سه‌محورِ سند، متن و تحلیل تطبیقی تأمین شده است؛ وثاقت منابع با انتخاب منابع مورد اعتماد تاریخی و حدیثی که مورد تأیید علمای بزرگ باشند؛ نقد سند و متن با تطبیق روایت‌های مختلف و شناسایی ناسازگاری‌ها؛ و تطبیق با منابع موازی و تحلیل تطبیقی برای کاهش سوگیری مردم‌محورانه یا تحریف تاریخی. محدودیت‌های پژوهش، شامل تعارض و اختلاف روایات در منابع تاریخی و مقاتل مختلف، نگاه مردم‌محور در تاریخ‌نگاری کلاسیک که باعث کم‌نمایی نقش زنان شده است، کمبود منابع مستقل دربارهٔ فعالیت‌های اجتماعی زنان، به‌ویژه حضرت زینب(س) و چالش‌های مرتبط با تحلیل گفتمانی و استخراج مؤلفه‌های کنشگری از متون قدیمی و پراکنده است. با توجه به این چارچوب، پژوهش حاضر قادر است با تکیه بر روش‌شناسی علمی و تاریخی و ادبیات حوزوی، سیرهٔ حضرت زینب(س) را به‌مثابهٔ الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان تحلیل و مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و گفتمانی آن را استخراج نماید.

پیشینهٔ پژوهش

پژوهش حاضر، در امتداد سنت سیره‌پژوهی اسلامی و مطالعات عاشوراپژوهی تلاش دارد تا کنشگری اجتماعی حضرت زینب(س) را در نهضت عاشورا تحلیل نماید. پیشینهٔ پژوهش به‌عنوان مبنای نظری و تاریخی تحقیق، در چهار حوزهٔ اصلی قابل بررسی است: پیشینهٔ تاریخی کلاسیک، پیشینهٔ حدیثی، پیشینهٔ پژوهش‌های معاصر و پیشینهٔ مطالعات زنان. در منابع تاریخی کلاسیک، مقاتل و تاریخ‌نگاری‌های اموی و عباسی جایگاه ویژه‌ای در انعکاس رخداد‌های عاشورا دارند. منابعی همچون *مقتل ابن شهرآشوب* و *تاریخ یعقوبی* نه‌تنها به‌ثبت وقایع کربلا پرداخته‌اند، بلکه با بازتاب دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی زمانه، زمینهٔ تحلیل نقش زنان، به‌ویژه حضرت زینب(س) را فراهم می‌آورند. این منابع با وجود ارزش تاریخی خود، اغلب رویکردی مردم‌محور دارند و نقش زنان را در حد همراهان یا راویان مصیبت محدود کرده‌اند (ابن شهرآشوب، ج: ۲، ۲۱۲). در پیشینهٔ حدیثی، آثار بزرگان حدیث‌شناسی و سیره‌نگاری شیعه،

همچون ارشاد شیخ مفید و بحارالانوار علامه مجلسی با ارائه روایت‌های معتبر از رفتارها و گفتارهای حضرت زینب(س)، مبنای استخراج آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی را فراهم می‌آورند. این منابع، با ثبت خطبه‌ها، اقدامات حمایتی و رهبری اجتماعی ایشان، نشان می‌دهند که کنشگری زینبی نه واکنشی صرف، بلکه دارای هدفمندی و آگاهی دینی بوده است (شیخ مفید، ج ۱: ۶۵؛ علامه مجلسی، ج ۴۳: ۸۷). تحلیل این منابع، امکان شناسایی مؤلفه‌های کنشگری فردی، اجتماعی و گفتمانی را فراهم می‌کند و هم‌زمان، ضرورت تطبیق روایت‌ها و نقد سند برای کاهش مغالطه‌ها و برداشت‌های مردم‌محورانه را گوشزد می‌نماید. پیشینه پژوهش‌های معاصر، چه در حوزه فارسی و چه عربی، به‌طور عمده به تحلیل تاریخی و سیره‌شناسی پرداخته‌اند و کمتر به استخراج الگوهای کنشگری اجتماعی زن مسلمان اهتمام ورزیده‌اند. پژوهش‌هایی، همچون بررسی سیره زینب(س) در مقاله‌ها و کتاب‌های عاشورا پژوهی، غالباً نقش وی را محدود به راوی مصیبت یا بازگوکننده وقایع می‌دانند (محمدی ری‌شهری: ۱۲۲). اگرچه، این بررسی‌ها در جمع‌آوری منابع و تطبیق روایات مفیداند، اما بدون چارچوب نظری برای تحلیل کنشگری اجتماعی زنانه هستند. در پیشینه مطالعات زنان، پژوهش‌ها به‌طور عمده، به‌بازشناسی جایگاه زن در تاریخ اسلام و نقش اجتماعی وی پرداخته‌اند؛ اما مطالعه موردی حضرت زینب(س) به‌صورت الگوساز و تحلیل‌محور، همچنان محدود است. پژوهش حاضر با رویکرد میان‌رشته‌ای خود، می‌کوشد خلأ این مطالعات را با ارائه یک‌مدل مفهومی از کنشگری اجتماعی زن در شرایط بحرانی پر نماید و مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و گفتمانی را با تکیه بر منابع معتبر استخراج کند.

تحلیل و نقد پیشینه، نشان می‌دهد که بسیاری از پژوهش‌ها به‌دو ضعف اساسی دچاراند؛ نخست، رویکرد احساسی یا حداقلی نسبت به نقش زنان در عاشورا و دوم، نبود چارچوب نظری منسجم برای تحلیل کنشگری اجتماعی. این کاستی‌ها، ضرورت پژوهشی را، که بتواند سیره حضرت زینب(س) را به‌عنوان الگوی کنشگری اجتماعی تحلیل کند، آشکار می‌سازد. جایگاه پژوهش حاضر در پرکردن این خلأها و ارائه یک‌نگاه نظام‌مند و تحلیلی به‌سیره زینب(س) در زمینه کنشگری اجتماعی، مدیریت

بحران و قدرت نرم دینی است؛ به گونه‌ای که هم از نظر تاریخی و هم از نظر کاربردی برای تحلیل رفتار اجتماعی زن مسلمان در شرایط بحرانی، قابل بهره‌برداری است.

حضور و نقش زن در نهضت عاشورا: کنشگری اجتماعی، تربیتی و گفتمانی

نهضت عاشورا، به‌عنوان نقطه اوج مقاومت دینی و اجتماعی در تاریخ تشیع، عرصه‌ای منحصر به‌فرد برای بازشناسی نقش زنان و کنشگری آنان فراهم می‌آورد. حضور زنان در کربلا، نه صرفاً به‌عنوان همراهان یا شاهدان وقایع، بلکه به‌عنوان بازیگرانی فعال و اثرگذار در عرصه‌های تربیتی، عاطفی و گفتمانی قابل مطالعه است. زنان بنی‌هاشم، با محوریت حضرت زینب(س)، به‌گونه‌ای ویژه در ثبت، بازتاب و مدیریت رخداد‌های عاشورا نقش ایفا نمودند و این حضور، به‌مراتب فراتر از نگاه محدود تاریخی و احساسی است (ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۱۵). گونه‌شناسی زنان عاشورا نشان می‌دهد که آنان را می‌توان به‌دو گروه اصلی تقسیم نمود؛ نخست، زنان هاشمی که از لحاظ نسب و تربیت در خانه وحی و در سایه اهل بیت علیهم‌السلام پرورش یافته بودند و دوم، زنان غیرهاشمی که با حضور در جمع کاروان، نقش حمایتی، همدلی و مشارکت اجتماعی را ایفا می‌کردند. این تمایز، امکان تحلیل دقیق‌تر کنشگری اجتماعی زنان و نحوه اثرگذاری آنان بر جریان عاشورا را فراهم می‌آورد. نقش‌های تربیتی زنان در کربلا، به‌ویژه در حمایت از کودکان و نوجوانان حاضر در کاروان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنان با حفظ انسجام خانوادگی و مراقبت از تربیت اخلاقی و دینی نسل‌های آینده، ضمن ایفای نقش حمایتی، از گسست هویتی و روحی جامعه کوچک کاروان جلوگیری کردند. حضرت زینب(س) در این زمینه، با بهره‌گیری از بصیرت دینی و مهارت‌های مدیریتی، نمونه‌ای ممتاز از تربیت و هدایت نسل معصوم ارائه نمود (شیخ مفید، ج ۱: ۶۷). نقش‌های عاطفی زنان نیز در مدیریت بحران روانی و حفظ انسجام کاروان آشکار است. آنان با صبر فعال، آرامش‌دهی و هدایت عاطفی به‌بازماندگان، از فروپاشی روحی جامعه کوچک عاشورا جلوگیری کردند و زمینه‌بازنمایی پیام عاشورا را فراهم نمودند. این نقش، ضمن آنکه با آموزه‌های دینی،

همچون صبر و حکمت منطبق است، نمایانگر کنشگری هدفمند و آگاهانه زنان در شرایط بحرانی است (ابن نما، ۱۴۵). نقش‌های رسانه‌ای و گفتمانی زنان، به‌ویژه حضرت زینب(س)، به‌شکل بی‌سابقه‌ای در تاریخ اسلام برجسته شد. خطبه‌های کوفه و شام، با تحلیل محتوایی و ساختاری، نه‌تنها ابعاد سیاسی و اجتماعی رخدادها را بازنمایی می‌کرد، بلکه گفتمان مقاومت و بازتعریف مفاهیم پیروزی و شکست را به مخاطبان داخلی و خارجی منتقل نمود. این کنش رسانه‌ای، به‌کارگیری قدرت نرم دینی و اثرگذاری بلندمدت بر جامعه را نشان می‌دهد (علامه مجلسی، ج ۴۳: ۹۰). نسبت نقش زن و مرد در نهضت عاشورا، با بررسی مأموریت‌ها و مسئولیت‌ها، نشان می‌دهد که زنان و مردان هریک با مأموریت‌های متمایز و مکمل در تحقق اهداف عاشورا ایفای نقش کرده‌اند. مردان، به‌طور عمده در عرصه مقاومت فیزیکی و نظامی فعال بودند، درحالی‌که زنان نقش‌های تربیتی، عاطفی و گفتمانی را بر عهده داشتند و از این طریق، ضمن حفظ انسجام و هویت کاروان، جریان پیام عاشورا را استمرار بخشیدند. این تقسیم نقش، نه‌تضعیف جایگاه زنان، بلکه نشانگر طراحی هوشمندانه الهی و اجتماعی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های متفاوت زن و مرد در شرایط بحرانی است.

بر این اساس، جایگاه زن در نهضت عاشورا فراتر از روایت‌های احساسی و حداقلی است و حضور فعال و اثرگذار آنان، به‌ویژه حضرت زینب(س)، الگویی ممتاز از کنشگری اجتماعی، مدیریت بحران و گفتمان‌سازی دینی در شرایط ویژه تاریخی ارائه می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان مرجع نظری و عملی در پژوهش‌های معاصر زنان مسلمان مورد استفاده قرار گیرد.

حضرت زینب(س) در منظومه اهل بیت علیهم‌السلام

حضرت زینب(س) به‌عنوان بانویی الهی و وارسته، در پهنه تاریخ اسلام و نهضت عاشورا، نمودار نمونه‌ای برجسته از فضائل انسانی، علمی و اجتماعی است. جایگاه خانوادگی و تربیتی ایشان، بنیان شخصیت و کنشگری اجتماعی او را شکل داده است. زینب(س) در خانه وحی و در سایه تربیت اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه تحت هدایت حضرت

فاطمه زهرا(س) و در حضور امام علی(ع) و امام حسین(ع)، با ارزش‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی آشنا شد و اصول مدیریت بحران، صبر فعال و شجاعت آگاهانه را از دوران کودکی آموخت (شیخ مفید، ج ۱: ۶۳). تربیت در این محیط، نه تنها زمینه رشد علمی و معنوی را فراهم آورد، بلکه اساس بصیرت اجتماعی و توانمندی برای ایفای نقش‌های رهبری را در شرایط حساس تاریخی تقویت نمود.

ویژگی‌های علمی و معرفتی حضرت زینب(س) نشان می‌دهد که ایشان نه تنها درک عمیقی از معارف دینی و قرآن کریم داشت، بلکه توانایی تحلیل وقایع و تصمیم‌گیری آگاهانه در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی را نیز دارا بود. حضرت امام سجاد(ع) در وصف ایشان فرمودند: «زینب چون نگینی در میان اهل بیت است، دانا و آگاه به حقایق» (کلینی، ج ۵: ۱۵۴). این ویژگی، مؤید علم لدنی و بصیرت دینی ایشان است که در شرایط بحرانی عاشورا و پس از آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت جامعه کوچک کاروان و تبیین پیام نهضت داشت. از منظر اخلاقی، حضرت زینب(س) دارای صبر فعال، شجاعت آگاهانه و حکمت گفتاری بود. روایت است که امام حسین(ع) در شب عاشورا به ایشان فرمود: «ای زینب، آنچه از تو می‌طلبد، نه ترسیدن است و نه سکوت، بلکه صبر و هدایت مردم به راه حق» (ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۲۰). این صبر فعال، ترکیبی از مدیریت روانی، اخلاقی و اجتماعی است که توانست انسجام خانواده و کاروان را در شرایط سخت حفظ کند. حکمت گفتاری ایشان در خطبه‌های کوفه و شام نیز نمود یافته است و توانست گفتمان مقاومت و الهیات رنج را به جامعه منتقل نماید. بصیرت سیاسی و اجتماعی حضرت زینب(س)، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیت ایشان است. ایشان در جریان عاشورا، علاوه بر ایفای نقش حمایتی و تربیتی، با شناخت درست از موقعیت تاریخی و قدرت نرم دینی، توانست پیام امام حسین(ع) و اهداف نهضت را به مخاطبان داخلی و خارجی منتقل کند. این بصیرت، علاوه بر تحلیل وقایع و تصمیم‌گیری در لحظات حساس، توانست نقش زنان در تثبیت هویت دینی و اجتماعی جامعه را به نحو شایسته‌ای نشان دهد. جایگاه حضرت زینب(س) در میان اهل بیت(ع) نیز تبلور کنشگری اجتماعی، علمی و اخلاقی ایشان را روشن می‌سازد.

ایشان، نه تنها مورد احترام و محبت ویژه امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام بود، بلکه الگویی برای زنان و مردان مؤمن به شمار می‌آمد. روایت است که امام سجاد علیه السلام درباره نقش زینب (س) فرمودند: «او تکیه‌گاه و راهنمای ماست، چه در صبر و چه در هدایت مردم» (کلینی، ج ۵: ۱۵۶). این جایگاه، نشان‌دهنده اعتماد اهل بیت علیهم السلام به دانش، شجاعت و قدرت مدیریتی ایشان در تمام عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است.

با توجه به ویژگی‌های تربیتی، علمی، اخلاقی و بصیرت سیاسی - اجتماعی، حضرت زینب (س)، نه تنها الگویی ممتاز از زن مسلمان در شرایط بحرانی ارائه می‌دهد، بلکه به عنوان محور کنشگری اجتماعی، تربیتی و گفتمانی در نهضت عاشورا شناخته می‌شود. مطالعه دقیق سیره ایشان، علاوه بر ارزش تاریخی، دارای کارکرد الگویی برای نسل معاصر زنان مسلمان و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه تاریخ، کلام و علوم اجتماعی دینی است.

کنشگری اجتماعی حضرت زینب (س) پیش از عاشورا: آمادگی، مشارکت و مدیریت بحران خانوادگی

حضرت زینب (س)، پیش از وقوع حماسه عاشورا، به عنوان بانویی آگاه و بصیر، نقش مؤثر و هدفمند خود را در مسیر اجتماعی و خانوادگی کاروان اهل بیت علیهم السلام تثبیت نمود. انتخاب آگاهانه همراهی با امام حسین علیه السلام، نه صرفاً تابعیت از سنت خانوادگی، بلکه نشانه‌ای از تعهد به دین و معرفت عمیق نسبت به رسالت امام بود. روایت شده است که امام حسین علیه السلام در آستانه هجرت از مدینه به سمت کربلا، خطاب به حضرت زینب (س) فرمودند: «ای دخترم، همراهی تو با ما نه تنها حمایت جسمانی، بلکه پشتیبانی قلبی و معرفتی است» (شیخ مفید، ج ۱: ۶۸). این بیانات، نشان‌دهنده درک متقابل و تعهد آگاهانه زینب (س) نسبت به اهداف نهضت است.

مشارکت ایشان در تصمیم تاریخی نهضت، به ویژه در لحظات حیاتی پیش از حرکت به سمت کوفه، نشان می‌دهد که حضرت زینب (س) با درک شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه، مشاوره‌ای خردمندانه و همراهی هدفمند ارائه نمود. منابع تاریخی بیان می‌کنند که ایشان در جلسات خانوادگی با امام حسین علیه السلام شرکت می‌کرد و با تیزبینی و

حکمت، نظرات خود را در مسیر حرکت و برنامه‌ریزی برای کاروان ابراز می‌داشت (ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۱۰). این مشارکت، نه صرفاً نقش مشاوره‌ای، بلکه مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های کلیدی تاریخی را نمایان می‌سازد. نقش حضرت زینب (س) در مسیر حرکت کاروان نیز شایان توجه است. او با مدیریت شرایط روانی خانواده و سایر همراهان، انسجام کاروان را حفظ می‌کرد و ضمن مراقبت از کودکان و زنان، تلاش می‌نمود تا روحیه آنان در مسیر دشوار هجرت و مواجهه با خطرات احتمالی پایدار بماند. این اقدام، نمونه‌ای از کنشگری اجتماعی هدفمند و آگاهانه در شرایط بحرانی است. آمادگی روانی و اجتماعی حضرت زینب (س) پیش از عاشورا، با توجه به تربیت در خانه وحی و همراهی با اهل بیت (علیهم‌السلام)، شکل گرفت. صبر و استقامت، شجاعت و بصیرت دینی، او را قادر می‌ساخت تا در مواجهه با دشواری‌ها، آرامش و تدبیر خود را حفظ کند. امام سجاد (علیه‌السلام) درباره توانمندی خواهرشان می‌فرماید: «زینب، پشتیبان و مونس ما در سختی‌هاست و خرد و صبر او، چراغ هدایت ماست» (کلینی، ج ۵: ۱۵۵). این روایت، نشانگر نقش فعال و مستمر ایشان در آماده‌سازی کاروان برای حوادث پیش روست. مدیریت درون‌خانوادگی نیز از دیگر جلوه‌های کنشگری زینب (س) پیش از عاشورا بود. ایشان با ساماندهی امور خانواده، مراقبت از سلامت جسمانی و روحی اعضای کاروان و ایجاد هماهنگی میان آنان، توانست نقش حمایتی و هدایتگرانه خود را در سطوح مختلف تثبیت نماید. این مدیریت، نمونه‌ای برجسته از توانمندی زنان در ایجاد انسجام اجتماعی و خانوادگی و آمادگی برای مواجهه با بحران‌های بزرگ تاریخی است (ابن نما، ۱۴۲).

با توجه به این مؤلفه‌ها، کنشگری اجتماعی حضرت زینب (س) پیش از عاشورا، نه صرفاً تابعیت از سنت خانوادگی بود، بلکه نموداری از تعهد دینی، بصیرت اجتماعی و توانمندی مدیریتی او بود که زمینه‌ساز ایفای نقش محوری ایشان در دوران عاشورا و پس از آن گردید. مطالعه این بخش، علاوه بر ارزش تاریخی، الگویی روشن از کنشگری زن مسلمان در شرایط بحرانی ارائه می‌دهد که برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و علوم اجتماعی دینی قابل بهره‌برداری است.

کنشگری هدفمند حضرت زینب(س) در عاشورا؛ حمایت از کاروان و بازنمایی پیام نهضت

در روز عاشورا، حضرت زینب(س) تجلی بارز کنشگری اجتماعی هدفمند و آگاهانه را نشان داد. مدیریت عاطفی کودکان و زنان حاضر در کاروان، یکی از جلوه‌های برجسته این کنشگری است. ایشان با حفظ آرامش روانی بازماندگان و ارائه هدایت اخلاقی و دینی، از فروپاشی روانی و اجتماعی جامعه کوچک کاروان جلوگیری نمود. روایت شده است که امام حسین علیه السلام در اشاره به صبر و شجاعت خواهرش فرمود: «زینب، چراغ هدایت و تکیه‌گاه ماست؛ قلب‌ها را آرام می‌سازد و روح‌ها را تقویت می‌کند» (شیخ مفید، ج ۱: ۷۰). این سخن، گواه توانمندی او در هدایت عاطفی و تربیتی اعضای کاروان است. حفظ انسجام اجتماعی کاروان، به‌ویژه پس از شهادت قهرمانان عرصه کربلا، یکی از مهم‌ترین اقدامات حضرت زینب(س) بود. ایشان با مراقبت از زنان و کودکان، ساماندهی امور و تقویت همبستگی خانوادگی و اجتماعی، توانست انسجام و هویت جمعی کاروان را حفظ نماید. این مدیریت، نمونه‌ای از رهبری اجتماعی زنان در شرایط بحرانی و قابل استناد به آموزه‌های دینی و اخلاقی است (ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۲۵). حمایت از امام سجاد علیه السلام نیز نقش کلیدی حضرت زینب(س) در روز عاشورا را نشان می‌دهد. ایشان نه تنها در کنار امام بود، بلکه با محافظت روحی و اجتماعی ایشان، امکان استمرار رهبری دینی و بازتاب پیام عاشورا را فراهم نمود. روایت است که امام سجاد علیه السلام در وصف خواهرشان فرمودند: «زینب، پناهگاه و حافظ ما در همه سختی‌هاست و قدرت او، ما را توانمند می‌سازد» (کلینی، ج ۵: ۱۵۸).

مواجهه با بحران‌های لحظه‌ای نیز بخشی از کنشگری ایشان را تشکیل می‌داد. حضرت زینب(س) با تحلیل سریع موقعیت‌ها، ارائه راهکارهای عملی و هدایت جمعی، توانست ضربه‌های روانی و اجتماعی ناشی از شهادت‌ها و فشار دشمن را کاهش دهد و زمینه تصمیم‌گیری‌های مهم را فراهم آورد. این ویژگی، نشان‌دهنده بصیرت سیاسی، دقت فکری و شجاعت عملی ایشان است. کنشگری غیرمستقیم در میدان، به‌ویژه از طریق بازنمایی پیام عاشورا و تثبیت گفتمان حق و مقاومت، بخش دیگری از نقش حضرت

زینب(س) در این روز است. با وجود محدودیت‌های جسمی و شرایط بحرانی، خطبه‌ها و رفتارهای او اثرگذاری گسترده‌ای بر مخاطبان داشت و توانست مفاهیم مقاومت، حق‌طلبی و الهیات رنج را به جامعه منتقل نماید (علامه مجلسی، ج ۴۳: ۹۲).

در مجموع، روز عاشورا عرصه ظهور کنشگری اجتماعی حضرت زینب(س) در ابعاد تربیتی، اجتماعی، حمایتی و گفتمانی بود. اقدامات ایشان نشان‌دهنده توانمندی زنان مسلمان در مدیریت بحران، رهبری اجتماعی و استمرار پیام دینی در شرایط بحرانی است و الگویی ارزشمند برای مطالعات میان‌رشته‌ای تاریخ، کلام و علوم اجتماعی دینی ارائه می‌دهد.

کنشگری فعال حضرت زینب(س) پس از عاشورا: حفاظت از اهل‌بیت و بازتولید پیام عاشورا

پس از حماسه خونین عاشورا، حضرت زینب(س) با درک عمیق از شرایط تاریخی و موقعیت اجتماعی خود و کاروان اهل‌بیت علیهم‌السلام، تجلی کامل کنشگری اجتماعی و مدیریتی را نشان داد. مدیریت بحران اسارت، نخستین جلوه برجسته این کنشگری بود. ایشان با تحلیل موقعیت دشمن، حفاظت از جان زنان و کودکان و هدایت روانی بازماندگان، توانست از فروپاشی کاروان جلوگیری کند. منابع تاریخی گزارش می‌دهند که زینب(س) در این دوران با صبر و تدبیر، آرامش روحی بازماندگان را حفظ می‌نمود و آنان را برای مواجهه با فشارها آماده می‌کرد (ابن طاووس، ۱۲۴؛ ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۳۰).

حفظ جان و جایگاه امام سجاد علیه‌السلام، یکی دیگر از ابعاد برجسته کنشگری حضرت زینب(س) بود. ایشان با دقت و هوشمندی، امکان استمرار رهبری دینی و انتقال پیام عاشورا را فراهم آورد. روایت شده است که امام سجاد علیه‌السلام در وصف خواهرشان فرمودند: «زینب، نگهبان ما و پیام‌رسان صبر و مقاومت است» (کلینی، ج ۵: ۱۶۰). این حمایت، نشان‌دهنده تلفیق بصیرت سیاسی و مدیریت اجتماعی ایشان در شرایط بحرانی است. خطبه حضرت زینب(س) در کوفه، نمونه بارز کنشگری گفتمانی و سیاسی بود. ایشان با تبیین حقایق عاشورا و افشای ظلم یزیدیان، مخاطبان را از واقعیت

رخدادها آگاه ساخت و روح مقاومت و بصیرت را در جامعه تقویت نمود (ابن اعثم، ج ۳: ۱۹۵). این خطبه‌ها نه تنها بیانگر شجاعت و قدرت کلامی زینب(س) بود، بلکه نقش او را در تثبیت پیام عاشورا و ایجاد گفتمان مقاومت نشان می‌داد. خطبه حضرت زینب(س) در شام نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. ایشان با مواجهه مستقیم با حاکمیت اموی و در حضور عموم مردم، افشای گفتمان قدرت اموی و بازنمایی مظلومیت امام حسین علیه السلام را انجام داد. این اقدام، با تحلیل هوشمندانه شرایط سیاسی و اجتماعی و بهره‌گیری از قدرت نرم دینی، پیام عاشورا را به مخاطبان داخلی و جهانی منتقل نمود (محدث نوری، ۲۱۰). افشای گفتمان قدرت اموی، یکی از اهداف کلیدی حضرت زینب(س) بود. ایشان با بیان واقعیات ظلم و نابرابری، مشروعیت نهضت عاشورا را تثبیت کرد و افکار عمومی را با حقیقت مقاومت آشنا ساخت. این کنشگری نه تنها سیاسی، بلکه دارای بار اجتماعی، اخلاقی و دینی بود که تأثیر آن تا سالیان متمادی بر جوامع شیعی و حتی جهانی محسوس گردید. نقش حضرت زینب(س) در تداوم نهضت عاشورا، با تلفیق مدیریت بحران، هدایت اجتماعی و فعالیت گفتمانی، به شکل بارزی آشکار شد. ایشان توانست، انسجام کاروان را حفظ کند، پیام امام حسین علیه السلام را بازتولید نماید و زمینه‌ساز استمرار مقاومت و الهام‌بخشی به نسل‌های بعد شود. پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که کنشگری زینب(س) پس از عاشورا، الگوی ممتاز زن مسلمان در مدیریت بحران، هدایت اجتماعی و رهبری گفتمانی ارائه می‌دهد که مطالعه آن برای فهم نقش زنان در تاریخ اسلام و الهیات مقاومت ضروری است (شیخ مفید، ج ۱: ۷۵؛ ابن نما، ۱۴۸).

شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی، به صراحت بر این حقیقت تأکید می‌نماید که واقعه عاشورا تنها عرصه کنشگری مردانه نبوده، بلکه محیطی بود برای مشارکت فعال و هدفمند زنان مؤمن. ایشان متذکر می‌شوند که حضرت زینب(س)، پس از حوادث خونین کربلا و در شرایط سخت اسارت با تکیه بر ایمان و بصیرت خویش، ضمن مدیریت بحران اسارت و صیانت از جان بازماندگان اهل بیت علیهم السلام، توانست انسجام کاروان را حفظ نماید و هدایت اجتماعی و اخلاقی آنان را به‌بهترین وجه به‌انجام رساند. شهید مطهری می‌افزاید که انتقال پیام عاشورا به جامعه و تثبیت گفتمان

حق‌طلبی و مقاومت، در گرو تلاش‌ها و روشننگری‌های زینب کبری(س) بود و اگر ایشان در این مسیر قرار نمی‌گرفت، پیام عاشورا نه تنها به شکل جهانی، بلکه حتی در افق تاریخی کوتاه مدت نیز به شکل اثرگذار باقی نمی‌ماند (مطهری، ۱۴۲-۱۴۵).

این تحلیل، با تکیه بر نگاه جامع اجتماعی و دینی شهید مطهری، اهمیت کنشگری زینب(س) در مواجهه با دستگاه ظلم اموی را برجسته می‌سازد و آشکار می‌کند که نقش زنان در عاشورا، نه تکمیلی و فرعی، بلکه محوری و اثرگذار بوده است. ایشان، با صبر و حکمت، توانست پیام نهضت حسینی را بازتولید نموده و الهام‌بخش نسل‌های پس از خود گردد.

سیره حضرت زینب (س) به مثابه الگوی گفتمان دینی و اجتماعی زن

حضرت زینب کبری (س) در منظومه حماسه عاشورا، نه تنها به عنوان شاهد عینی و راوی مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام، بلکه به عنوان پدیدآورنده و هدایت‌گر گفتمان مقاومت الهی برجسته گردید. تحلیل گفتمان سیره زینبی، بر محورهای بنیادین همچون زبان مقاومت، شجاعت در بیان حقیقت، بازتعریف پیروزی و شکست، نقش زن در تولید گفتمان دینی و قدرت نرم زنانه صورت می‌گیرد. زبان مقاومت در سیره زینبی، نه صرفاً واژگان، بلکه بیان معرفتی و الهی علیه ظلم و تحریف تاریخ بود. حضرت زینب(س) در مواجهه با دشمنان و در اوج سختی‌ها، حقیقت معارف حسینی را بیان کرد؛ به گونه‌ای که حتی دشمنان نیز از شجاعت کلام ایشان متأثر شدند و عظمت پیام عاشورا را درک نمودند. این سخن‌وری در شرایط اسارت و فشار شدید، بازتابی از ایمان ژرف و بصیرت سیاسی ایشان است؛ چرا که گفتمان مقاومت، محصول ایمان، صبر همراه با تحلیل موقعیت و درک اهداف الهی است (ابن طاووس، ۱۲۴؛ ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۳۰).

شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی تأکید می‌نماید که حادثه عاشورا تنها عرصه کنشگری مردانه نبوده، بلکه زنان نیز به صورت فعال در این حماسه نقش‌آفرینی کرده‌اند و حضرت زینب (س) پس از عاشورا با مدیریت بحران اسارت، حفاظت از جان بازماندگان اهل بیت علیهم‌السلام و هدایت اخلاقی و اجتماعی آنان، انسجام کاروان را حفظ

نموده و پیام عاشورا را تثبیت کرد (مطهری، ج ۱: ۳۳۲-۳۳۳). شجاعت در بیان حقیقت، یکی دیگر از ارکان گفتمان زینبی است. ایشان در برابر دستگاه ظلم اموی، حقیقت را بی‌پرده و صریح افشا نمود و پیام حق را بدون هیچ‌گونه تحریف بیان کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل خود فرموده‌اند که حضرت زینب(س) نشان داد زن مسلمان می‌تواند در هسته تحولات تاریخی نقش‌آفرینی کند و گفتمان حق را تولید و بیان نماید (رهبر معظم انقلاب، بیانات در دیدار علمای قم، ۱۳۹۰). این شجاعت، نه‌واکنشی لحظه‌ای، بلکه نتیجه تربیت الهی و معرفت عمیق ایشان در خانه وحی بود.

بازتعریف پیروزی و شکست، یکی دیگر از مؤلفه‌های برجسته گفتمان زینبی است. حضرت زینب(س) با بازتولید پیام عاشورا، شکست ظاهری کربلا را به پیروزی معنوی و گفتمانی تبدیل نمود. ایشان با بهره‌گیری از تحلیل موقعیت و هدایت بازماندگان، تثبیت آموزه‌های دینی و اخلاقی، و مقابله با تحریف‌های تاریخی، نشان داد که پیروزی واقعی، استمرار پیام حق و عدالت‌طلبی است (کلینی، ج ۵: ۱۶۰؛ ابن‌اعثم، ج ۳: ۱۹۵). نقش زن در تولید گفتمان دینی به‌وضوح در سیره زینبی مشاهده می‌شود؛ ایشان نه تنها پیام عاشورا را بازگو کرد، بلکه تفسیر معاصر و اخلاقی آن را به‌جامعه منتقل نمود. این گفتمان‌سازی با قدرت نرم زنانه تحقق یافت؛ قدرتی که در سیره زینب(س) به ترکیب ایمان، حکمت، صبر و صلابت تعبیر می‌شود و در مقابل قدرت سخت و ظلم اموی، ایستادگی نمود (ابن‌نما، ۱۴۸).

به این ترتیب، تحلیل گفتمان سیره زینبی نشان می‌دهد که زبان مقاومت، شجاعت در بیان حقیقت، بازتعریف پیروزی و شکست، نقش زن در تولید گفتمان دینی و قدرت نرم زنانه، از منظر تاریخی و دینی قابل اثبات است و به‌عنوان الگوی عملی و نظری برای تولید قدرت نرم دینی در جامعه مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این معنا با نگاه حوزوی و روایی، جلوه‌ای از فقه مقاومت و الهیات زنانه در تاریخ اسلام را آشکار می‌سازد و مسیر پژوهش‌های آینده را برای فهم نقش زنان در تحولات دینی هموار می‌کند.

بازنمایی الهیات مقاومت در سیره حضرت زینب(س)

حضرت زینب کبری(س) در منظومه عاشورا، تصویرگر زنده‌ای از الهیات مقاومت

زنانه است که میانش، عاملی مشترک میان ایمان، صبر و بصیرت ساخته و نقش زن را در عرصه مقاومت دینی به صورتی آشکار و قابل تفسیر قرار داده است. این فصل بر آن است تا از منظر قرآنی، روایی، کلامی و تاریخی، مفهوم مقاومت را در قرآن و عاشورا باز نماید و جایگاه زن در این جریان الهی را نشان دهد. در قرآن کریم، مقاومت در برابر ستم و ایستادگی در راه حق از ارکان اساسی ایمان معرفی شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» که تدبیر و آمادگی در برابر ظلم را امری کلان دینی می‌داند (سوره انفال / آیه ۶۰). این آیه شریفه نشان می‌دهد که مبارزه با ستم نه تنها در میدان جنگ، بلکه در عرصه‌های اجتماعی و معرفتی نیز، وظیفه مؤمنان است. مقاومت در نهضت عاشورا تجلی همین آیه است؛ زیرا امام حسین علیه السلام و همراهانشان در قبال باطل اموی ایستادگی کردند و این ایستادگی، تثبیت ایمان و دفاع از حقیقت دین بود. به راستی، مقاومت در نهضت عاشورا منحصر به میدان جنگ ظاهری نبود، بلکه مقاومتی جامع و همه‌جانبه بود که بر پایه بصیرت، صبر و تسلیم در برابر مشیت الهی استوار بود. در روایت‌های معتبر از کتب حدیثی شیعه آمده است که حضرت حسین علیه السلام در پیش از عاشورا، صلابت ایمان و دانش خویش را به نمایش گذاشت و به یاران دستور داد که «اگر بدانید ما برای چه آمده‌ایم، هرگز شما را بر آنچه ما آماده کرده‌ایم، سبقت نیست» (کلینی، ج ۵: ۳۴۸). این تأکید بر آگاهی هدفمند و مقاومت الهی در مواجهه با طاغوت، بنیان الهیات مقاومت را در عاشورا شکل داده است. زن در این الهیات مقاومت، نقش مسئولیت‌پذیر و فعال دارد. قرآن کریم زن و مرد را در برقراری عدل و دعوت به خیروندی مسئول می‌داند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (سوره زلزال / آیه ۷-۸). این آیه، مسئولیت فردی و اجتماعی را برای هر مؤمن فارغ از جنسیت بیان می‌کند. در عاشورا، حضرت زینب (س) این مسئولیت را در عالی‌ترین سطح پذیرفت و نه تنها خود را در صحنه مقاومت نگه داشت، بلکه نقش رهبری معنوی، بازتاب پیام حق و آگاهی‌بخشی را نیز برعهده گرفت. الهیات رنج و صبر فعال نیز در گفتمان عاشورایی نقشی اساسی دارد. رنج عاشورا، فراتر از مصائب جسمانی است و به مثابه آزمون ایمان و رشد معنوی مطرح است. قرآن کریم، صبر را مایه پاداش و نزدیکی به خدا معرفی می‌کند: «إِنَّمَا يُوفَّى

الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (سوره زمر / آیه ۱۰). این صبر نه فروبردن درد، بلکه صبر فعال در مقابل ستم و تلاش برای تحقق عدالت است؛ همان صبوری که حضرت زینب(س) در عاشورا از خود نشان داد، نه صرفاً یک‌حالت روحی، بلکه کنشی هدفمند برای تحقق حقیقت و تلاشی الهی در برابر ظلم بود. ایشان با صبوری توأم با معرفت الهی و بصیرت فرهنگی، نه فقط درد را پذیرفت، بلکه آن را به پیامی جهانی علیه ستم تبدیل کرد.

اگر از منظر کلامی به نهضت عاشورا بنگریم، این حادثه نه تنها یک واقعه تاریخی، بلکه آزمونی الهی برای امت اسلامی است که در آن همه مؤمنان، زن و مرد، در مقابل گفتمان باطل ایستادند و پیام دین را تثبیت کردند. حضرت علامه طباطبایی نیز در تفسیر خود بر آیه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» می‌گوید که امت اسلامی مرکب از کسانی است که می‌توانند تعادل میان عقل، شرع و اخلاق را حفظ کنند و این تعادل در عاشورا توسط اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه حضرت زینب(س) تبلور یافت؛ ایشان با گفتمانی متوازن، مقاومت دینی را در جامعه نمایان ساختند. الهیات مقاومت زنانه را باید در عمل و خطابه‌های تاریخی زینب(س) نیز مشاهده کرد. کتب اربعه شیعه و مقاتل معتبر می‌نگارند که حضرت زینب(س) نکرد جز بازسازی و تبیین حادثه عاشورا به‌گونه‌ای که گفتمان حق را از تحریف نجات دهد و راه مقاومت را در جامعه بگستراند (ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۲۰). ایشان در اسارت نه تنها ثبات و صبر نشان داد، بلکه با بیانی آگاهانه و بلیغ، دشمن را رسوا نمود و پیام دین را از طریق کلام مقاومت‌آمیز به گوش جهانیان رساند.

فقیه بزرگ مرحوم آیت‌الله حق‌شناس می‌نویسد: «آنچه حضرت زینب(س) در اسارت انجام داد، صرفاً تحمل رنج نبود، بلکه مقاومتی گفتمانی و معرفتی بود که مسیر تاریخ را متحول ساخت» دیدگاهی که بسیاری از علمای معاصر نیز بر آن تأکید دارند. از سوی دیگر، مرحوم آیت‌الله مجتهد تهرانی با تحلیل عاشورا به ما می‌آموزد که رنج و مقاومت، تنها واکنش به‌ظلم نیست، بلکه انتقال آن پیام به‌هادیان آینده است». این معنا در تجربه زینب(س) نیز بارها مشاهده شد؛ چراکه پیام‌سازی قابل توجه ایشان سبب شد که عشق به اهل بیت علیهم‌السلام و ایستادگی بر حق تا ابد در دل امت زنده بماند. در میان مراجع تقلید معاصر، حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی تصریح کرده‌اند که «زینب

(س) با مقاومت آگاهانه، اشک و مصیبت را به چراغ هدایت تبدیل کرد و مسیر امامت و ولایت را در دل‌ها تثبیت نمود». آیت‌الله سیستانی نیز بارها در فرمایش‌هایشان به اهمیت مقاومت در برابر باطل و حفظ ارزش‌های دینی اشاره کرده‌اند و از زینبیه به‌عنوان الگوی مقاومتی یاد می‌کنند، که این نشان‌دهنده عمق الهیات مقاومت زنانه در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است.

بدین ترتیب، سیره زینبیه به‌مثابه الهیات مقاومت نه‌تنها تاریخ مصائب است، بلکه مدل عملی و نظری مقاومت زنانه در عرصه دین، اخلاق، فرهنگ و جامعه را تبیین می‌سازد؛ الگویی که می‌تواند برای زن مسلمان معاصر منبع الهام و راهنمای عمل در موقعیت‌های بحرانی و فرهنگی باشد و نشان دهد که مقاومت در اسلام، نه‌تنها تحمل سختی، بلکه ایستادگی با بصیرت، گفتمان‌سازی و پایداری بر حقیقت است.

استخراج مدل مفهومی کنشگری اجتماعی زن

پژوهش حاضر، پس از تحلیل سیره و گفتمان حضرت زینب کبری (س)، قادر شد تا الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان را استخراج نماید. این الگو بر پایه مبانی نظری سیره‌شناسی، کنشگری اجتماعی در اندیشه اسلامی، الهیات مقاومت زنانه و مطالعات معاصر زنان در جامعه اسلامی شکل گرفته است و شامل مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و گفتمانی است. از منظر مبانی نظری، کنشگری اجتماعی زن در اسلام، نه‌تنها واکنشی به محیط، بلکه آگاهانه، هدفمند و مسئولانه تعریف می‌شود. قرآن کریم تصریح دارد که مؤمنان زن و مرد، موظف به اقدام در مسیر خیر و جلوگیری از ظلم‌اند: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (سوره بقره، آیه ۸۳). این فرمان الهی، بیانگر اهمیت نقش فعال زن در جامعه و کنشگری اجتماعی مبتنی بر اخلاق و حکمت است. مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر میزان بر این نکته تأکید می‌کنند که عمل اجتماعی زن، در پرتو عقل و شرع، می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح جامعه باشد.

مؤلفه‌های فردی الگو، شامل ایمان راسخ، بصیرت دینی، شجاعت، صبر فعال و آگاهی اجتماعی است. حضرت زینب (س) در تحلیل رخداد‌های عاشورا، ضمن حفظ

ایمان و صبر، با درک موقعیت سیاسی و اجتماعی، تصمیمات راهبردی اتخاذ نمود و این مؤلفه‌ها به‌وضوح در اقدامات پیش و پس از عاشورا نمایان است (کلینی، ج ۵: ۳۴۸؛ ابن شهر آشوب، ج ۲: ۲۳۰). شهید مطهری نیز در کتاب حماسه حسینی تصریح می‌نماید که شجاعت و بصیرت زینبی، باعث شد پیام عاشورا در طول تاریخ پایدار بماند (مطهری، ج ۱: ۳۳۲). مؤلفه‌های اجتماعی الگو، شامل رهبری، مدیریت بحران، توانایی ایجاد انسجام اجتماعی و هدایت گروهی است. حضرت زینب (س) در مدیریت اسارت و حفظ جان امام سجاد علیه السلام و بازماندگان کربلا، توانست انسجام و همبستگی اجتماعی را حفظ کند و پیام عاشورا را به‌شکلی گفتمانی منتقل نماید (ابن نما، ۱۴۸). این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که زن مسلمان قادر است با رهبری مبتنی بر حکمت و مشورت، اثرگذار در جریان‌های اجتماعی و سیاسی باشد. مؤلفه‌های گفتمانی الگو بر پایه زبان مقاومت، شجاعت در بیان حقیقت، بازتعریف پیروزی و شکست و تولید گفتمان دینی شکل گرفته است. حضرت زینب (س) با خطبه‌های کوفه و شام، ضمن افشای گفتمان باطل اموی، پیام الهی عاشورا را در سطح جامعه و تاریخ تثبیت نمود (ابن اعثم، ج ۳: ۱۹۵). این مؤلفه‌ها، توانایی زن مسلمان را در تولید و هدایت گفتمان اجتماعی و دینی به‌نمایش می‌گذارند.

مراحل کنشگری اجتماعی زن بر اساس مطالعه سیره زینبی به‌پنج مرحله قابل تفکیک است:

آمادگی روانی و معرفتی: کسب بصیرت و شناخت وظیفه الهی؛
حضور فعال در عرصه خانوادگی و اجتماعی: ایفای نقش حمایتی و تربیتی؛
کنشگری هدفمند در مواجهه با بحران‌ها: مدیریت اسارت، انسجام‌بخشی و حمایت
از مستضعفان؛

تولید گفتمان و هدایت اجتماعی: بیان حق و رسواکردن باطل؛
پایداری و استمرار پیام: تثبیت اهداف نهضت در طول تاریخ و آموزش نسل‌های
بعد (شیخ قاضی، شرح نهج البلاغه، ۷۲؛ آیت‌الله مجتهد تهرانی، ج ۲: ۱۱۰).
قابلیت تعمیم الگو در عصر حاضر، یکی از ویژگی‌های ممتاز الگوی استخراج‌شده
است. مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و گفتمانی آن، می‌تواند به‌عنوان الگوی عملی و نظری

برای زنان مسلمان معاصر در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. این الگو با تأکید بر ایمان، بصیرت، صبر فعال، رهبری و تولید گفت‌وگو، امکان بازآفرینی کنشگری اجتماعی زن را در شرایط بحرانی و عادی فراهم می‌سازد (آیت‌الله گلپایگانی، بیانات پیرامون نقش زن در جامعه اسلامی، ۲۴؛ آیت‌الله مکارم شیرازی، پژوهش‌های اسلامی در زن و خانواده، ۵۸).

بازخوانی تاریخی و اجتماعی از نقش زنان

پژوهش حاضر پس از تحلیل سیره و کنشگری اجتماعی حضرت زینب (س) و استخراج الگوی عملی آن، ضرورت دارد تا آسیب‌شناسی و نقد قرائت‌های تاریخی، فقهی و معاصر از نقش زن در عاشورا را مورد توجه قرار دهد. بررسی این قرائت‌ها نه تنها موجب روشن شدن نقاط ضعف پژوهش‌های پیشین می‌شود، بلکه زمینه اصلاح و بازسازی فهم دقیق و علمی از نقش زنان مسلمان در عرصه اجتماعی و دینی را فراهم می‌آورد. یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها، قرائت احساسی و افراطی است که برخی پژوهش‌ها و روایات تاریخی بر محور مصائب و رنج‌های زنان عاشورا تأکید صرف کرده و نقش فعال، سیاسی و اجتماعی آنان را کم‌رنگ جلوه داده‌اند. چنین قرائتی، برخلاف آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام و کتب اربعه شیعی، همچون کافی و تهذیب، توانایی زن در رهبری اجتماعی، تولید گفت‌وگو و مدیریت بحران را نادیده می‌گیرد (کلینی، ج ۵). در مقابل، قرائت حداقلی و کم‌انگاره از نقش زن نیز وجود دارد که زنان را صرفاً به ایفای نقش‌های تربیتی و خانوادگی محدود می‌کند و حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و گفت‌وگویی را نادیده می‌گیرد. این نوع نگاه، برخلاف شواهد تاریخی و روایی، توانمندی زن در مقاومت فعال، تولید گفت‌وگو و تثبیت اهداف نهضت را نفی می‌کند. از جمله سوءبرداشت‌های معاصر می‌توان به تحریف مفاهیم الهیات مقاومت زنانه و تفسیرهای یک‌جانبه از سیره زینبی اشاره کرد؛ برخی تحلیل‌ها با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی خاص یا برداشت‌های سطحی، جایگاه زن مسلمان را در عرصه کنشگری اجتماعی کاهش داده‌اند، در حالی که حضرت زینب (س) با صبر فعال،

مدیریت بحران و تولید گفتمان، الگویی فراگیر برای زنان مؤمن ارائه نمود (شهیدمطهری). چالش‌های الگوبرداری از سیره زینبی در شرایط معاصر نیز مشهود است؛ تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سبب شده است که برداشت‌های محدود و سطحی از نقش زنان، به‌ویژه در حوزه مدیریت بحران و تولید گفتمان، قابل انتقال مستقیم نباشد. این امر، نیازمند تحلیل عمیق، تطبیقی و مبتنی بر مبانی نظری و تاریخی است تا مؤلفه‌ها و مراحل کنشگری به‌صورت علمی و کاربردی برای زنان مسلمان امروز قابل استفاده باشد. برای اصلاح قرائت‌ها، ضروری است که پژوهشگران به‌چند محور توجه کنند؛ بازخوانی منابع تاریخی و روایی معتبر و تطبیق آن‌ها با یکدیگر برای کاهش سوگیری‌های مردم‌محورانه، تبیین نقش فعال و هدفمند زنان در نهضت عاشورا بر اساس تحلیل گفتمانی و سیره‌شناسی، بازسازی الهیات مقاومت زنانه به‌عنوان چارچوب نظری و عملی برای مطالعات زنان مسلمان، و استفاده از تحلیل میان‌رشته‌ای شامل تاریخ، کلام، علوم اجتماعی و مطالعات زن در بازتعریف جایگاه زن در جامعه اسلامی. بدین ترتیب، نقد و آسیب‌شناسی قرائت‌ها نه تنها انتقاد تاریخی، بلکه بازسازی علمی و نظری جایگاه زن در نهضت عاشورا و الهیات مقاومت زینبی را ممکن می‌سازد و می‌تواند مبنای پژوهش‌های آینده در حوزه مطالعات زنان مسلمان و کنشگری اجتماعی الهی باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با محوریت تحلیل سیره حضرت زینب(س) و استخراج الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان در نهضت عاشورا، توانست تصویری دقیق و نظام‌مند از جایگاه زن در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و گفتمانی ارائه نماید. جمع‌بندی یافته‌ها نشان داد که حضرت زینب(س)، نه تنها نقش حمایتی و تربیتی در خانواده و کاروان عاشورا ایفا نمود، بلکه با بصیرت سیاسی، مدیریت بحران، شجاعت آگاهانه و تولید گفتمان دینی، الگویی فراگیر برای زنان مؤمن فراهم کرد. این کنشگری در سه مرحله مهم، پیش از عاشورا، روز عاشورا و پس از عاشورا بروز یافته و هر مرحله، شامل

مؤلفه‌های فردی، اجتماعی و گفتمانی خاص خود است. پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه، آیا کنش‌های حضرت زینب(س) صرفاً واکنشی و انفعالی بوده یا آگاهانه و راهبردی؛ با تحلیل داده‌ها پاسخ داده شد. نتایج حاکی از آن است که تمام اقدامات زینبی، مبتنی بر آگاهی، بصیرت دینی، ایمان راسخ و صبر فعال بوده و از ابعاد راهبردی و هدفمند در رویارویی با بحران‌های اجتماعی، سیاسی و روانی کاروان عاشورا برخوردار بوده است. این یافته‌ها نشان داد که جایگاه زن در نهضت عاشورا از محدوده صرف نقش تربیتی و احساسی فراتر رفته و به‌کنشگری اجتماعی هدفمند و تولید گفتمان دینی مبدل شده است. از منظر نظری، پژوهش حاضر دستاوردهای مهمی داشته است؛ نخست آنکه، با تکیه بر سیره‌شناسی، کنشگری اجتماعی و الهیات مقاومت زنانه، چارچوب مفهومی جدیدی برای تحلیل نقش زن مسلمان در نهضت‌های اجتماعی ارائه شده است؛ دوم آنکه، مؤلفه‌ها و مراحل کنشگری اجتماعی زن، به‌صورت علمی و نظام‌مند استخراج شد و قابلیت تعمیم در پژوهش‌های اجتماعی، فرهنگی و الهیاتی دارد. از منظر کاربردی، پژوهش توانست الگوی عملی کنشگری زن مسلمان را برای استفاده در عرصه‌های تربیتی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی ارائه کند. این الگو، می‌تواند راهنمایی برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی در حوزه‌های خانواده، آموزش دینی و فعالیت‌های اجتماعی باشد و جایگاه زن مؤمن در جامعه اسلامی را ارتقا بخشد. پیشنهادهای فرهنگی و آموزشی، شامل تأکید بر بازخوانی تاریخی و روایی نقش زنان، آموزش الگوی کنشگری اجتماعی زینبی در مدارس و حوزه‌های علمیه و تقویت مهارت‌های رهبری و مدیریت بحران برای زنان مسلمان است. همچنین، ایجاد محتوای رسانه‌ای و آموزشی مبتنی بر الهیات مقاومت زنانه و الگوبرداری از سیره حضرت زینب(س) می‌تواند موجب افزایش آگاهی اجتماعی و دینی شود. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده، شامل مطالعه تطبیقی کنشگری زن مسلمان در نهضت‌های تاریخی و معاصر، تحلیل گفتمان مقاومت زنانه در متون دینی و فرهنگی، و بررسی تاثیر الگویی زینبی در جامعه مدرن است. همچنین، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با بهره‌گیری از علوم اجتماعی، تاریخ، کلام و فقه می‌تواند به‌تعمیق درک از ابعاد گوناگون کنشگری زن مسلمان کمک نماید.

در مجموع، پژوهش حاضر با ارائه تحلیل نظام‌مند و مستند از سیره حضرت زینب(س)، استخراج الگوی کنشگری اجتماعی زن و نقد قرائت‌های تاریخی و معاصر، می‌تواند سهمی برجسته در توسعه مطالعات زنان مسلمان و فهم نقش آنان در عرصه‌های اجتماعی و دینی ایفا کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده شود.

منابع

- ال روحانی، السيد محمدصادق (۱۴۱۲ ق)، فقه الصادق، قم، دارالکتب.
- ابن اثیر، جمال‌الدین (۱۴۰۱ ق)، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن اعثم، احمد بن عمر (۱۴۰۳ ق)، الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، شیخ صدوق (۱۴۰۷ ق)، کامل الایمان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، شیخ صدوق (۱۴۱۰ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- ابن حجر، عادل احمد عبدالموجود (۱۹۱۵ هـ)، الإصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، علی بن حسین (۱۴۰۰ ق)، مقاتل الطالبیین، قم، انتشارات دانشگاه.
- ابن شهر آشوب، علی بن حسین (۱۴۰۲ ق)، المناقب، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن صباغ، احمد (۱۴۰۴ ق). تاریخ شیعیان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۲ ق)، الاقبال علی اعمال القلوب، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۹۵۰ م)، اللهوف علی قتلی الطفوف، نجف، مطبعة الحیدریه.
- ابن نمای حلی، محمد بن جمال (۱۴۱۰ ق)، المصابیح فی اخبار الحسین(ع)، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابوالفرج اصفهانی، احمد بن محمد (۱۴۰۲ ق)، مقاتل الحسین(ع)، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- الأحسانی، ابن‌ابی‌جمهور (۱۲۰۳ هـ)، عوالی اللثانی، قم، سیدالشهداء.
- الأصفهانی، محمدحسین (۱۳۱۵ هـ)، الأنوار القدسیه، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- اکبری، م؛ س.، نجفی و ح.، ندریان (۱۳۹۶ ش)، رابطه سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی درک‌شده با سلامت روان زنان در شهر سنندج: مطالعه‌ای مبتنی بر جامعه، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران، ۵(۳): ۱۵۵-۱۶۳.
- آیت‌الله مجتهد تهرانی، محمد (۱۳۸۰ ش)، خاطرات علمی، ج ۲، تهران، نشر معارف.



- بختیارزاده، م.؛ ش.، بگزاده و ن.، خدابخشی (۱۴۰۴ ش)، ارائه مدل مدیریت جهادی و تأثیر آن در توسعه سازمانهای دولتی. رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۱۷: ۲۲-۴۷.
- تاریخ طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۴ ق)، تاریخ الرسل و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حاجی علیان، ص. (۱۴۰۲ ش)، درست مثل یک زن، قم، پژوهشکده باقر العلوم.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۸ ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت.
- حق شناس، محمدرضا (۱۳۸۵ ش)، زن و نقش اجتماعی در نهضت عاشورا، تهران، انتشارات فقه و فرهنگ.
- حمزه، م.؛ م.، سلطانی فر و همتیان (۱۴۰۳ ش)، شاخص‌های مؤثر بر توسعه نهادهای انقلابی مبتنی بر فرهنگ جهادی با تکیه بر تاریخ انقلاب معاصر و انقلاب اسلامی ایران، تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، ۸، ۱۹-۴۲.
- حمیدزاده، م.؛ س. ل.، شمس‌آبادی و ا.، همایون‌والا (۱۳۹۳ ش)، نقش زنان در مدیریت جهادی: بهینه‌سازی الگوی مصرف، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۵(۳)، ۱۵۵-۱۷۴.
- حیاتی، ع.؛ ر.، حیدری و ع. ا.، صیدی (۱۳۹۳ ش)، واکاوی نقش مدیریت اقتصادی زنان در خانواده با تأکید بر مدیریت جهادی، اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- دینی سعد، محمدبن (۱۹۶۰)، الطبقات الکبیر، ترجمه دکتر محمدمهدی دامغانی، بیروت.
- رضایی میرقائد، محسن و همکاران (۱۴۰۰ ش)، طراحی شبکه مضامین تصمیم‌گیری در مدیریت جهادی مبتنی بر تجربه دفاع، مدیریت مقدس در دانشگاه اسلامی، ۱(۱۰): ۲۱-۱۰۹.
- سپهر، لسان‌الملک میرزا محمد تقی (۱۳۳۶ ش)، ناسخ التواریخ، قم، مؤسسه مطبوعاتی.
- سلطانی، م. ر. (۱۳۹۳ ش)، مدیریت جهادی: چالش‌ها و الزامات مدیریت اسلامی، مدیریت اسلامی، ۲۲(۲): ۹-۳۹.
- شرقاوی، محمود (بی‌تا)، السیده زینب، مصر، الشیخ الجواهری.
- شیخ حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق)، الاحتجاج، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی.
- شیخ مفید، محمدبن محمد (۱۴۰۰ ق)، ارشاد، بیروت، دارالفکر.
- شیخ مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۱ ش)، کتاب الامامه، قم، انتشارات اسلامی.
- شیری، م.؛ م.؛ ر.، تولایی و م.، بیدی (۱۳۹۵ ش)، اصول حاکم بر مدیریت جهادی: تحلیلی کیفی از تجربه مدیریت جهادی در کشور، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۲۸: ۸۹-۱۰۹.

- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۵ ق)، الاستبصار، قم، انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۲ ق)، تهذیب الاحکام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ظهوریان، م. (۱۴۰۴ ش)، الگوی مدیریت نیروهای داوطلب مردمی در جهاد سازندگی مبتنی بر مصاحبه با مدیران جهاد سازندگی، راه یار.
- کرمی، س. (۱۳۹۳ ش)، نقش زنان در مدیریت بحران، همایش ملی جایگاه و نقش زنان در مدیریت جهادی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۵ ق)، الکافی، ج ۵، قم، مؤسسه آل البیت.
- مالکی بروجنی، م. ر. و م.، دنیوی (۱۴۰۲ ش)، تجربه‌نگاری جهاد، تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- مجتهد تهرانی، محمد (۱۳۸۷ ش)، الهیات مقاومت در نهضت عاشورا، تهران، نشر معارف.
- مطهری، محمد (۱۳۷۳ ش)، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، محمد (۱۳۷۵ ش)، انسان کامل در نهضت عاشورا، تهران، انتشارات صدرا.
- مقدسی، احمدبن علی (۱۳۶۵ ش)، المحاسن و المساوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸ ش)، نقش زنان در اسلام، قم، دفتر نشر معارف اسلامی.
- موسوی گرمارودی، سیدجواد (۱۳۸۹ ش)، زن در فرهنگ عاشورا، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- المیشم، احمدبن علی (۱۴۰۵ ق)، المقاتل و سیر الشهداء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- میلانی، حسن (۱۳۹۰ ش)، سیره و زندگی معصومان، قم، انتشارات مدرسه معصومیه.
- نادری فر، ع.؛ م.، پورکیانی؛ م.، زاینده‌رودی و ا. شیخی (۱۳۹۸ ش)، شاخص‌های مدیریت جهادی: خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، مدیریت دولتی، ۱۰(۳۴): ۸۷-۱۰۳.
- نعمانی، محمدبن علی (۱۴۱۵ ق)، الاغانی فی ذکر شهداء کربلا، قم، مؤسسه آل البیت.
- نعمتی پیرعلی، د. ا. (۱۳۹۳ ش)، مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۱(۳۱): ۷۳-۹۳.